



کودک و نوجوان

مبینا ابراهیمی، فرزند همکار:

تلاش آدمی گم نمی شود



نرگس صادقی (مادر):

از این که دخترم در رشته‌ای که همیشه آرزویش را داشت موفق شده، بسیار خوش‌حالم. آرزوی قلبی من این است که به آن چیزی که می‌خواهد برسد و در خصوص قبولی‌اش مطمئن بودم که حتما موفق خواهد شد، چون تلاش و پشتکارش را می‌دیدم. ان شاءالله همیشه و در همه کارها سر بلند باشد.

رضا ابراهیمی (پدر):

با تلاش و کوشش، مبینا توانسته به هدفش برسد. از این که موفق شده، خیلی خوش‌حالم.

|| از چه زمانی درس خواندن برای کنکور را شروع کردی؟

به طور جدی دو سال آخر تحصیلی‌ام را درگیر درس خواندن بودم. البته قبل از آن هم مطالعه می‌کردم، اما وقتی وارد فضای کنکور می‌شوی، همه چیز جدی‌تر می‌شود و روال زندگی تغییر می‌کند.

|| انتظار چنین نتیجه‌ای را داشتی؟ وقتی نتیجه کنکور را دیدی چه احساسی داشتی؟

بله، با توجه به حمایت‌هایی که از طرف خانواده دریافت می‌کردم و همچنین روندی که طی کردم، انتظار یک نتیجه خوب را داشتم. واقعا خوش‌حال‌کننده بود. نه تنها برای من، بلکه برای خانواده‌ام نیز خبر خوبی بود. این مسیر به تنهایی طی نشد و کمک‌های اطرافیان، به ویژه خانواده‌ام، بسیار موثر بود.

|| چرا به تحصیل در رشته پزشکی علاقه‌مند شدی؟

از بچگی به درس خواندن علاقه داشتم و این به خاطر جو خانوادگی‌ام بود. والدینم همیشه مشغول تحصیل بودند و این محیط آکادمیک تاثیر زیادی بر من گذاشت. در سال ششم ابتدایی، با قبولی در آزمون تیزهوشان، وارد محیط درسی جدی‌تری شدم. دبیرستان نیز زمان مناسبی بود برای فکر کردن به اهداف آینده و شغل مورد نظرم پزشکی که از همان زمان بچگی به آن علاقه‌مند بودم و حالا دیگر جدی‌تر به آن فکر می‌کردم. با این که مسیر واقعا سختی بود و خستگی و کلافگی زیادی داشت، اما داشتن هدف به من کمک کرد تا از این سختی‌ها عبور کنم و اکنون امیدوارم که روزهای خوبی در پیش باشد.

|| روزی چند ساعت درس می‌خواندی؟

ساعت مطالعه‌ام از همان ابتدا حدود ۸ ساعت بود و به تدریج به ۱۲ یا ۱۳ ساعت در اواخر دوره رسید، اما چون با برنامه پیش می‌رفتم، این افزایش ساعت مطالعه به تدریج رخ داد و زیاد احساس سختی نمی‌کردم.

|| به نظرت این موفقیت نیازمند هوش است یا پشتکار؟

واقعیت این است که این پروسه به خود دانش‌آموز بستگی دارد و جدیت و هدفمند بودن او بسیار مهم است؛ البته محیط اطراف هم تاثیرگذار است. من شخصا خودم را آدم خیلی باهوشی نمی‌دانم و هوش متوسطی دارم. افراد باهوش‌تری نسبت به خودم دیده‌ام که تعدادشان هم زیاد است، اما عمیقا اعتقاد دارم که تلاش بسیار مهم‌تر از هوش و استعداد است.

|| بزرگ‌ترین چالش در این مسیر چه بود و چگونه آن را مدیریت کردی؟

سخت‌ترین زمان طبیعتا وقتی بود که باید امتحانات نهایی را می‌دادم و هم‌زمان برای کنکور آماده می‌شدیم، زیرا کنکور تنها دو هفته بعد از امتحانات نهایی بود. در این میان، ممکن بود از برخی امتحانات راضی نباشیم، اما باید روحیه‌مان را برای امتحان بعدی حفظ می‌کردیم؛ این واقعا سخت بود.

|| در زمان مطالعه ممکن بود لحظاتی پیش آید که دلسرد شوی؟

طبیعتا در مسیر کنکور، دانش‌آموز خسته، دلسرد و کلافه می‌شود، زیرا

از پایان این مسیر خبری ندارد و دائما نگران است که نکند تلاش‌هایش بی‌فایده بمانند. همیشه خود را در جلسه کنکور تصور و به این فکر می‌کند که اگر نتواند به سوالات پاسخ دهد، چه پیش خواهد آمد. هر بار که آزمون بدی می‌دهد، این نگرانی به ذهنش خطور می‌کند که ممکن است این اتفاق در زمان کنکور هم بیفتد. برای مقابله با این احساسات، من سعی می‌کردم خود را به شدت درگیر درس خواندن کنم تا کمتر به این حالت دچار شوم، اما وقتی چنین احساسی پیش می‌آمد، با خانواده و مشاورم صحبت می‌کردم. این گفت‌وگوها واقعا به من کمک می‌کردند.

|| نقطه قوت و ضعف در این مسیر چه بود؟

نقطه ضعف من در آزمون دادن این بود که می‌خواستم همه سوالات را پاسخ دهم و هیچ سوالی را رها نکنم. این موضوع باعث می‌شد زمان کم بیاورم، اما نقطه قوت من علاقه‌ام به درس خواندن بود که باعث می‌شد در هر شرایطی به سراغ درس بروم و آن را به عنوان یک نقطه امن ببینم.

|| چطور این کمال‌گرایی را کنترل و مدیریت کردی؟

این کمال‌گرایی باعث می‌شد نتایج دلخواهم را در آزمون‌ها نگیرم و واقعا نیاز داشتم روشم را تغییر دهم. به همین دلیل خودم را در چالش زمانی قرار دادم؛ یعنی زمان تعیین‌شده برای آزمون دالان را کمتر از زمان استاندارد در نظر می‌گرفتم. این کار به من کمک کرد تا سریع‌تر تصمیم بگیرم و در نتیجه عملکرد بهتری داشته باشم.

|| از کنکور چه چیزی یاد گرفتی؟

همیشه باید به خودمان باور داشته باشیم و به مسیری که در حال طی کردن هستیم اعتماد کنیم. هیچ‌گاه نباید از چالش‌ها بترسیم.

|| در زمان کنکور استراحت و اوقات فراغت هم داشتی؟

روzhایی که درس می‌خواندم، فقط بر روی درس تمرکز می‌کردم و استراحتی نداشتم، مگر در فواصل کوتاه ۱۵ تا ۲۰ دقیقه‌ای، اما بعضی روزها را برای استراحت مشخص می‌کردم تا خستگی‌ام برطرف شود؛ مثلا یک هفته در بهمن ماه استراحت کردم، یک روز در فروردین ماه و دو روز پس از امتحانات نهایی.

|| محیط دانشگاه و این رشته همان است که انتظارشان را داشتی؟

قبل از شروع مسیر تحصیلی‌ام به طور جدی تحقیق کرده بودم. حتی در زمان انتخاب رشته، مدت‌ها بین رشته‌های مختلف گشتم و واحدهایی که قرار بود بگذرانم را بررسی می‌کردم. بنابراین، تجربه‌ام بسیار نزدیک به انتظاراتم بود و حتی بهتر از آن. حس رسیدن به هدف واقعا همه چیز را زیباتر می‌کند.

|| دوست داری در چه زمینه‌ای تخصص بگیری؟

در مورد آینده‌ام خیلی فکر نکرده‌ام، چون مطمئنم در این مسیر بارها نظرم تغییر خواهد کرد و باید به دنبال آن‌چه به آن علاقه دارم، بگردم.

|| چه انتظاراتی از کار در این رشته داری؟

من بیش‌تر از خودم انتظار دارم که بتوانم یک پزشک باسواد شوم و

تمام تلاش‌م را در این راستا می‌کنم. هدف من همیشه کمک به دیگران بوده، هرچند که این کمک می‌تواند به اشکال مختلف باشد.

|| پزشکی رشته سختی نیست؟

واقعا هیچ رشته‌ای نیست که سختی نداشته باشد. همه رشته‌ها چالش‌های خاص خود را دارند، اما اگر علاقه وجود داشته باشد، می‌توان از پس سختی‌ها برآمد. برای من هم دقیقا همین‌طور بوده است. سختی‌هایی که در حال حاضر تجربه می‌کنم، بیش‌تر به خاطر انتقال از مقطع دبیرستان به دانشگاه است. این تغییر باعث شده روتین زندگی‌ام به کلی دگرگون شود، اما از نظر درسی فعلا سختی خاصی احساس نمی‌کنم.

|| مطالعه برای کنکور جذاب‌تر است یا در دانشگاه؟

در مقایسه با کنکور، این تجربه بسیار بهتر است، زیرا هر یک از واحدهایی که می‌گذرانیم برایم جذاب هستند و با علاقه در کلاس‌ها حاضر می‌شوم.

|| نظرت در مورد تولید ملی چیست؟

تولید ملی قطعا تاثیر زیادی بر اقتصاد کشور دارد. تولید کالای باکیفیت بسیار مهم است و حمایت مردم از این تولیدات نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. ما واقعا افراد بااستعداد و سخت‌کوشی در زمینه تولیدات ملی داریم که نیاز به توجه و حمایت بیش‌تری دارند.

|| در راستای حمایت از تولید ملی چه کارهایی انجام می‌دهی؟

من خودم واقعا تلاش می‌کنم از تولید ملی حمایت کنم. برای من و اطرافیانم مهم است که کالای باکیفیت دریافت کنیم. اگر تولید باکیفیتی داشته باشیم، چرا از آن حمایت نکنیم؟

|| تا به حال ایران‌خودرو را از نزدیک دیده‌ای؟

بله، وقتی بچه بودم، بارها به محل کار پدرم می‌رفتم. اخیرا بعد از چندین سال دوباره به آن‌جا رفتم و با همکاران قدیمی پدرم صحبت کردم. همچنین با مدیرعامل نیز گفت‌وگو کردم. همه به من لطف داشته و استقبال خوبی از من داشتند. واقعا این تجربه برایم خاطره‌دل‌نشینی شد.

|| کدام یک از بخش‌های ایران‌خودرو را دیده‌ای؟

بیش‌تر به بخش اداری، اداره تامین و بخش حسابداری مالی، سر زده‌ام. محیط آن‌جا واقعا گرم و صمیمی است و همکاری خوبی بین اعضای تیم وجود دارد.

|| توصیه‌ات به هم‌سن‌وسالانت چیست؟

پیشنهاد من به هم‌سن‌وسالانم این است که حتما برای خودتان هدفی تعیین کنید و برای رسیدن به آن تلاش کنید، حتی اگر بارها شکست بخورید، هرگز خسته نشوید.

|| یک جمله برای حسن خاتمه بگو.

اگر بخوام یک جمله به عنوان سخن پایانی بگویم، این است که: «تلاش آدمی هیچ‌وقت گم نمی‌شود.»

عکس‌های باکیفیت از دل‌بندان‌تان را تا پایان وقت اداری روزهای سه‌شنبه هر هفته به همراه تصویر کارت شناسایی خودتان و شناسنامه کودک

به پیام‌رسان ایتا به شماره ۰۹۱۰۲۲۹۶۹۳۳ ارسال کنید. تماس تلفنی برای پی‌گیری: روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه با شماره تلفن ۲۸۴۷۰

بچه‌ها جون تولدتون مبارک



شادمهر فدایی



وینهان محمدی



وینهان آیینی



هاوش جوادی



آرشیدا زارعی



مانی صدرایی فرد



بهراد اشقانی



بارانا ستاری



آهو خبازی



آدرینا جعفرلکی



امیر رضا رمضانی